

روژه

روایت تازه از حلال شدن اوزون برون

● شرق: روز چهارشنبه هفت مهر، مطلبی با عنوان «اوزون برون چگونه حلال شد» در صفحه شش روزنامه به چاپ رسید، که در آن محمد هاشمی، رئیس اسبق سازمان صداوسیما، در گفت‌وگویی با خبرگزاری ایرنا به دیدار دکتر یدالله سجایی با امام خمینی(ره) اشاره کرد که باعث شد حرمت ماهی خاویار برداشته شده و امام آن را حلال اعلام کنند. محمد هاشمی در این مصاحبه که در «شرق» بازتشر شد، گفته بود: «یادم هست تخم خاویار قبل از انقلاب طبق نظر مراجع حرام بود؛ وایل انقلاب، مرحوم دکتر یدالله سجایی، از رهبران نهضت آزادی، خدمت امام رسید و ثابت کرد ماهی اوزون برون که تخم خاویار در شکم آن است، دارای فلس یا پولک است. امام هم در پاسخ ایشان فرمودند: خوردن ماهی فلس دار مشکل ندارد و حلال است. امام نفرمودند اوزون برون فلس دارد؛ فقط گفتند مطابق فقه شیعه، خوردن ماهی فلس‌دار حلال است و دکتر سجایی که متخصص بود، مصداق آن را پیش امام آورد. از آنجا حرمت خاویار برداشته و حلال شد». در پی چاپ این مطلب، روز گذشته محمد میرمحمدصادقی، معاون وقت وزیر کشاورزی در امر شیلات و مدیرعامل شرکت سهامی شیلات ایران در سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۳، متنی را در اختیار روزنامه قرار داد که در ادامه می‌آید: با انتصاب این جانب به مسئولیت مذکور از سوی آقای سلامتی (وزیر وقت کشاورزی)، متوجه شدم سال‌ها است بحث حرمت و حلیت خاویار مطرح است. در سال ۱۳۵۲ مرحوم آیت‌الله کمره‌ای در روزنامه‌های آن زمان، حلیت آن را اعلام کرد ولی با همه مواجه شد و موضوع مسکوت ماند. این جانب با عنایت به این امر مهم و خطیر، با همکاری و پشتیبانی مرحوم آیت‌الله احسان‌بخش، نماینده حضرت امام(ره) و امام جمعه وقت، ترتیب جلسه‌ای را با حضور کارشناسان شیلات، آیات و اساتادنی مانند مرحوم آیت‌الله احسان‌بخش، مرحوم آیت‌الله ایروانی، مرحوم آیت‌الله آذری‌قمی و آیت‌الله شیخ ععفر (احتمالاً رئیس دفتر استفتانات حضرت امام)، در شیلات بندر انزلی برگزار کردیم. در جلسه مذکور پاره‌ای روحانیون کم‌مایه محلی به تحریک نماینده وقت بندر انزلی که از اعضای انجمن ضدبهائیت بود، سعی در ایجاد آشفتگی کردند؛ اما با نظر کلیه اعضا، ماهی اوزون‌برون و سایر ماهیان خاویاری حلال تشخیص داده شد و براساس آن، گزارش‌ی مکتوب خدمت حضرت امام(ره) ارائه شد و حضرت ایشان، آن را منوط به نظر کارشناسان متعهد کردند. چند ماهی طول کشید تا نظر ایشان را درباره کارشناس متعهد بدانیم و سرانجام ایشان اظهار کردند، منظور از متعهد کسی است که به علم خیانت نکند. سرانجام در سال ۶۲ یا اوایل ۶۳، در یک برنامه تلویزیونی با خوردن یک دانه خاویار حلیت آن را اعلام کردم. دراین‌باره رسانه‌های مختلف جهانی و داخلی مطلبی را درج کردند و در فضای عمومی طنزهای زیادی مطرح شد. متعاقب آن، پاره‌ای از مراکز قدرت با تحریک انجمن‌ها به برخلاف نظر حضرت امام(ره) فعال شدند که در دفاع از نظر ایشان، مجله «پاسدار اسلام» به مدیریت جناب حجت‌الاسلام رحیمیان (از اعضای محترم دفتر حضرت امام)، مقالات متعددی را در چند شماره چاپ کرد. در صورت لزوم مدارک مکتوب تقدیم می‌شود.

ادامه از صفحه ۳

نشست صلح در دانشگاه شریف لغوشد

او در توضیح علت لغو چنین توضیح می‌دهد: «من با دکتر سعادت، معاونت فرهنگی دانشگاه، صحبت کردم. گفته شد که آقای فتوحی، رئیس دانشگاه، پوست‌های برآمده را دیده و گفته بود که قرار نبوده برنامه این‌چنین باشد. بعد هم اعلام شد که حراست با حضور مدعویین مشکل دارند. شریفی‌مقدم ادامه می‌دهد: «ما خواستند اعلام کنیم نشست به دلیل مشکلات لغو نمی‌شده تا اینکه دو هفته دیگر، با تغییر در ترکیب سخنرانان، مراسم را برگزار کنیم». اومی‌افزاید: «منمی‌توانم بیت‌خوانی کنم، اما مطلع هستم که از بیرون دانشگاه هم فشار وارد شد تا نشست لغو شود».

حراست مانع‌شد

خشیایار پورطاهر، دبیر انجمن اسلامی دانشگاه شریف، هم درباره علل لغو این مراسم به خبرگزاری ایلسا گفته است: «انجمن اسلامی، برگزارکننده اصلی مراسم نبود و پس از انجام رایزنی‌های اولیه از سوی این کانون، معاونت فرهنگی دانشگاه اعلام کرد حراست مانع از ورود سه سخنران اصلی به دانشگاه شده است». او درباره محتوایی که قرار بود در نشست صلح مطرح شود هم چنین توضیح داده است: «عمادالدین باقی قصد داشت از منظر آموزه‌های اسلامی و با تأکید بر انطباق داشتن چنین خشونت‌هایی با این آموزه‌ها و اینکه این خشونت‌ها در اسلام مجکوم است، به موضوع بپردازد و دیگر سخنرانان نیز بنا داشتند از منظر جامعه‌شناسی این مسئله را بررسی کنند. در بخش دوم قرار بود برخی از فعالان حوزه کودک و سازمان‌های مردم‌نهاد درباره تأثیرات مخرب این خشونت‌ها در زندگی و رشد کودکان منطقه صحبت کنند که رایزنی‌های لازم نیز انجام شده بود».

محمد عطریانفر، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران در یک گفت‌وگوی تفصیلی با محمدمهدی رحیمی و سینا سنجری خبرنگاران خبرگزاری مهر، به بیان دیدگاه‌های خود درباره وضعیت شورای شهر اول تهران، انتقادات روزنامه‌های اصلاح‌طلب به آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در دهه ۷۰، شرایط کنونی حسن روحانی و وضعیت اصلاح‌طلبان در انتخابات سال آینده پرداخته است که گزیده آن در ادامه می‌آید:

● وضعیت اصلاح‌طلبان در رابطه با سال ۹۶ کاملاً شفاف، روشن و بدون هیچ‌گونه دغدغه است؛ به این معنا که شخصیت مطلوب آنها ریاست محترم جمهور مستقر است و در این فرایند، فضل مشترک جدی همه لایه‌های فکری اصلاح‌طلبان آقای روحانی است و وحدت نظر کاملی بین اصلاح‌طلبان وجود دارد بنابراین سختی راه چندان‌بر دوش آنها نیست، چراکه آقای روحانی هم تجربه نسبتاً موفقی در عملکرد مدیریتی خود در سه‌ساله گذشته داشته و هم خطوط کلان و استراتژی روشنی در حوزه دیپلماسی و اقتصادی در راستای تأمین نیازها و اهداف مردم تعریف کرده است. از این جهت آنچه پیش‌روی اصلاح‌طلبان وجود دارد روشن است، درحالی‌که امروز رقیب اصلاحات، مسیر شفاف و روشنی‌پیش‌رو ندارد.

● فرم عمومی که شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاحات در حوزه انتخابات شوراهای اسلامی شهر ساماندهی کرده، این است که مسئولان و چهره‌های شاخص اصلاح‌طلبی در حوزه‌های انتخابیه نقش اصلی را در تعیین مسئولیت و تعیین اختیارات ایفا کنند. هیچ‌گاه شورای‌عالی سیاست‌گذاری ادعای تصمیم‌گیری برای شهرها را نخواهد داشت همان‌طور که در گذشته نداشته است.

● احزاب اصلاح‌طلب در فرایند اعمال سیاست‌های اجرایی در مقطع ۹۲ نقدهایی را به شورای هماهنگی جبهه اصلاحات داشتند؛ مثلاً شورای هماهنگی در گزینش افراد و ساماندهی تبلیغات انتخابات شوراهای ۹۲ اشکالاتی داشت که باید بهتر عمل می‌کرد و چهره‌های مناسب‌تری برمی‌گزید. به‌رحال پیش‌بینی ما این است که انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ از منظر اصلاح‌طلبان فاقد هرگونه عارضه است، زیرا کاندیدا مشخص است، چارچوب فعالیت‌ها مشخص است و یکپارچگی و توافق نظر هم بر آقای روحانی در همه احزاب اصلاح‌طلب وجود دارد. اگرچه ممکن است نقدهایی هم نسبت به عملکرد دولت وجود داشته باشد اما هیچ گزینه‌ای در برابر آقای روحانی قابل جایگزینی نیست و نیروهای اصلاح‌طلب از هیچ شخصیت دیگری نام نمی‌برند.

● در همه انتخابات تمرکز نیروهای اثرگذار در فعالیت‌های سیاسی معطوف به خیرالموجودین است؛ خیرالموجودین به تناسب زمان و شرایط می‌شود و امر مطلق محسوب نمی‌شود. در شرایطی چنین تصمیم و حمایتی مناسب حال ملت ایران و اصلاح‌طلبان است، گرچه ممکن است در شرایط دیگری تصمیم دیگری گرفته شود. امروز با توجه به مناسبات سیاست در ایران و مسائل پیرامونی آن، خیرالموجودین نزد اصلاح‌طلبان آقای روحانی است.

● آقای روحانی نسبتاً موفق بودند یا بیش از حد انتظار موفق‌بودند، خیلی تفاوت نمی‌کند. در

واقع سیمای اجتماعی، قامت مدیریتی، عملکرد و سیاست‌ورزی آقای روحانی «سنگ‌نشان» های درخشانی نزد اصلاح‌طلبان ترسیم کرده است.

● رئیس‌جمهوری در عملکرد سه‌ساله خود توفیقات گران‌قدری به دست آورده و برای اصلاح‌طلبان در هیچ دوره‌ای انتخابات را تحریم نکردند. ممکن است شما در مقاطعی از انتخابات از سوی کسانی پیشنهاد تحریم شنیده باشید اما هیچ‌گاه از سوی اصلاحات تحریم رخ نداد؛ اصلاح‌طلبان فوق انتظار بوده است. به عبارت روشن‌تر بیان بنده این بود که آقای روحانی آواگناردر از مطلوب اصلاح‌طلبان ظاهر شده است.

● صراحتاً می‌گویم که اصلاح‌طلبان مجبور به حمایت از روحانی نیستند بلکه مطلوب‌شان در حمایت است.

تفکر اصلاحات همواره بر مشارکت در انتخابات بوده‌است

● بنده به ضرر قاطع عرض می‌کنم تفکر اصلاحات، البته اصلاحات به مفهوم همان تفکری که از ۷۶ به این سو از چپ اسلامی آغاز و تا به امروز ادامه دارد، همواره مشارکت در انتخابات را توصیه کرده است. شاید پیش از انتخابات به‌خاطر برخی رفتارهای نهاده‌های مرجع حقوقی و شیوه برخوردشان با کاندیداهای اصلاحات، حرف‌وحدیدهایی بوده اما خروجی آنچه از ناحیه اصلاح‌طلبان تحت عنوان گفتمان غالب صادر شده مشارکت بوده است.

● در آن مقطع شورای‌عالی اصلاح‌طلبان نداشتیم اما چهره‌هایی که نماد اصلاح‌طلبی بودند، مشارکت در انتخابات را توصیه می‌کردند. در سال ۹۰ شورای به معنای امروزی و با ساماندهی مشخص که در رأس آن ریاست محترم دولت اصلاحات و جناب

آقای هاشمی‌رفسنجانی هستند وجود نداشت اما نمادهایی که سخن و پیام آنها دلالت بر جامعیت و پیام گسترده اصلاح‌طلبی می‌کرد یعنی از رئیس دولت اصلاحات گرفته تا آقایان هاشمی‌رفسنجانی، عبدالله نوری، موسوی‌خوئینی‌ها و چهره‌هایی که در مجمع روحانیون هستند و برخی از شخصیت‌هایی که حتی در حزب مشارکت بودند و سخن‌شان در جامعه اثرگذار بود و بُرد داشت، پیامشان هم به همراهی و مشارکت بود و انتخابات را تحت تحریم قرار ندادند.

● امروز به دلیل اینکه امکان شکل‌گیری تفکر اصلاح‌طلبی در درون احزابی که تمام‌عیار بتوانند ایفای نقش کنند وجود ندارد، رویکردها به سمت عملکردهاست. اگر حاکمیت این فرصت را فراهم کند تا احزاب به معنای واقعی کلمه که در قانون اساسی آمده و عرف سیاسی در دنیا آن را عملی کرده است و از آن بهره می‌برد، در ایران شکل بگیرد طبیعی است هر حزب، گروه سیاسی و تفکری باید واجد یک عنوان حزبی باشد و تنها از نیروهای وابسته خود در صحنه سیاسی حمایت کند. در این شرایط موضوع کارآمدی و عملکرد افراد نیز در درون حزب یک دوره تأثیر و تأثر را پشت سر می‌گذارد؛ به این‌معنا که جامعه مخاطب شما به‌جای اینکه

داوری‌اش روی عملکرد فرد باشد، روی عملکرد حزب قرار می‌گیرد و می‌گوید این حزب در دوره‌ای که به قدرت رسیده موفق بوده یا موفق نبوده است؛ اما در شرایطی هستیم که این فرصت برای احزاب وجود ندارد؛ بنابراین طبیعی است داوری مداوم و فضاوت ملی به سمت عملکرد افراد برود.

کام‌های مؤثر در شهرداری در شورای شهر اول برداشته شد

● معتباری برای عملکرد

شورای دوم، سوم و چهارم قائل نیستم. از طرفی خیلی نمی‌توانم بگویم برای شورای شهر اول هم اعتبار قائل هستم، زیرا خودم در آن و سالیانی هم رئیس شورا بودم؛ اگر از این موضع سخن بگویم حتماً حمل بر خودستایی می‌شود؛ اما کسانی که دستی بر آتش در شوروها دارند و از انصاف نسبی برخوردار هستند و اتفاقاً در شورای شهر اول هم نبودند و احتمالاً در شورای دوم، سوم و چهارم حضور داشتند، قضاوت‌شان این بود که اگرچه شوروها و مشخصاً شورای شهر تهران، از بدو تولد تا به امروز توفیق قابل‌قبول و رضایت‌مندی نداشته است؛ اما از منظر نسبی و مقایسه، شورای شهر اول کام‌های مؤثری در زمان خود برداشت.

● برخی از سامانه‌ها که عده‌های الان پُز آن را می‌دهند و بهره‌اش را می‌برند و نامش را شورای عالی و مناطق و فعالیت‌های فرهنگی می‌گذارند، پایه اصلی‌اش در آن شورا گذاشته شد. در شورای شهر اول موضوع استیضاح و توضیح‌خواستن از شهردار را مطرح کردند و مزبندی بین تکالیف شورا و شهرداری مشخص شد؛ این را کسانی به من چهارد که وقتی به شورای دوم شهر رفتند ابتدا می‌گفتند

حیثیت و آبروی شوروهای ایران را شورای اول برد؛ اما پس از شش‌ماه و یک‌سال که وارد شورای شهر شدند، گفتند ما که کاری نکردیم، اگر کم کاری بوده در شورای شهر بوده است.

● هیچ‌گاه نقش مخرب صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران را در حق آن شورا فراموش نکنید. مدیریت صداوسیما با هرکسی که بود، وظیفه‌اش ایجاد آرامش بود؛ اما به‌جای اینکه اعتمادآفرینی کند، سراغ چهره‌های خاص شورای شهر اول که به نظر من نام آنها «شورشگر» و «عناصر شورشی» بود، می‌رفت و آنها را پُررنگ و بزرگ می‌کرد.

● می‌گویند من و برخی آقایان مثل عبدالله نوری چهره سیاسی بودیم و چرا در شورای شهر حضور داشتیم، به‌دور از خودستایی عرض ما این است که ما با شایستگی لازم مدعی فهم مدیریت شهری در تراز امروزین آن بوده و هستیم، اگر تهران با همه اشکالاتش در حوزه مدیریت شهری تحولی پیدا کرد، ما در متن این تحول نقش‌نقش‌نظارتی با مدیریتی داشتیم.

سیاست

تحلیل عطریانفر از سیر تحولات اصلاح‌طلبان

نمی‌خواستم هاشمی رادیکال شود



عیاش‌تبار افشار

● متأسفانه در قانون، اختیارات مبسوط‌الیدی که یک شهردار دارد، از رئیس دولت بالاتر است. نهادهای نظارتی و کنترلی بر سر دولت خیمه می‌زنند و کنترل می‌کنند، اما نسبت به مدیریت شهری چنین نظارتی وجود ندارد. نمی‌خواهم بگویم الزاماً این غلط و آن درست است، بلکه می‌خواهم بگویم هم در آن افراط شده و هم در این تقریط!

فیلتر شورای شهر شدیدتر از فیلتر شورای نگهبان بود، بررسی صلاحیت‌ها بر عهده کمیسیون شوراهای مجلس بود که از شورای نگهبان تاکنون شدیدتر حمایت‌شده و معتمد همین اصلاح‌طلبانی است عمل کرده است.

برجام ربطی به پارلمان نداشت

اصلاً برجام ربطی به پارلمان نداشت! برجام محصول تدبیر رهبری است و مجلس هم کاری جز تأیید برجام نمی‌توانست انجام دهد، به‌دلیل اینکه برجام جای دیگر تأیید شده بود، آقایان مجبور بودند قبول کنند. این مجلس نقش خود را در قضیه برجام می‌خواستم دوستان جبهه مشارکت را نرم کنم و مؤثر بوم و علت اصلاح برخی از مواضع مشارکت هاشمی بود و ایشان هم صحنه هم آمدند، طبق نظرسنجی‌ها هم نزدیک به ۳۰ میلیون رأی داشتند و ۹۰ درصد آرا به نفع هاشمی بود؛ اما ایشان را به‌دلیل کبر سن اخراج کردند.

● در پاسخ به این سؤاَل که چرا با وجود حضور آقای هاشمی‌رفسنجانی، محمدرضا عارف کاندیدا شد؛ چرا نپذیرفتند؟ این به تاکتیک‌های انتخاباتی اصلاح‌طلبان برمی‌گردد، قطعاً اگر هاشمی در صحنه بود عارف کنار می‌کشید. ● بازجوها۷ سال ۸۸ به من می‌گفتند شما پل اتصال بین جریان مشارکت و آقای هاشمی هستی و به همین دلیل هاشمی را رادیکال کردی، برخی می‌آیند که بروند، برخی هم می‌آیند که بمانند و برخی هم می‌آیند که برای آینده خودشان تاریخ بسازند؛ اشکالی ندارد. اصلاً نباید سیاست‌های راهبردی را در انتخابات با رفتارهای تاکتیکی که بنا به دلایلی صورت می‌گیرد خلط کنیم. مشخصاً کاندیدای اصلاح‌طلبان آقای هاشمی بود و چون او را از صحنه خارج کردند، به قول علما نوبت به «فالاعلم» رسید، اعلم اصلاح‌طلبان هاشمی‌رفسنجانی بود؛ اما فالاعلم آنها پس از بررسی‌ها روحانی بود؛ اصلاح‌طلبان از روحانی تصویری و از عارف هم تصویر دیگری داشتند، سپس در مقام انتخاب، مسائل را از باب احتمال توفیق، تأثیرگذاری، دیالوگ با مردم، تأثیر تبلیغاتی، ساماندهی پیروزی و شیوه تمشیت‌امور بعد از رسیدن به حاکمیت، مطالعه کردند و بر روحانی رسیدند.

اصلاح‌طلبان درباره هاشمی به‌صراحت گفتند اشتباه کردیم

● در پاسخ به این سؤال که چه اتفاقی می‌افتد، عالی‌جناب سرخ‌پوش ۷۸ تبدیل به گزینه مطلوب اصلاح‌طلبان در سال ۹۲ می‌شود؛ شما حرف بی‌اعتبار آقای گنجی را به اصلاح‌طلبان نجس‌باید؛ خطا کردند و به خطای خودشان هم اعتراف کردند، دستشان را هم بالا بردند و گفتند اشتباه کردیم.

● حرف بی‌اعتبار اکبر گنجی را به اصلاح‌طلبان نجس‌باید، عالی‌جناب سرخ‌پوش توهین ابداعی گنجی آن هم در رسانه‌ای به نام «صبح امروز» است، اشتباه نکنید. جمع‌بندی خاتمی، به‌عنوان محور اصلاحات، در سال ۸۰ و برای دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری این بود که ای کاش همان روندی را که هاشمی در سال ۷۶ به ما سیرد، ادامه می‌دادیم، برخی از افراطی‌گری‌ها که ازسوی دوستان در دوران اصلاحات وارد داد، مورد نقد ایشان بود، خاتمی در دور دوم سمت‌وسو را به همان سیاست‌هایی که هاشمی تا سال ۷۶ تعقیب کرد، سوق داد.

● در آن زمان روزنامه‌های اصلاح‌طلب تعداد اندکی بودند و تقریباً با اصولگرایان برابری می‌کردند و وزن و تعدادشان در جامعه نسبتاً با هم برابر بود؛ البته گفتمان اصلاحات در آن مقطع خیلی توسعه‌مندتر بود. در آن ایام عالی‌جناب سرخ‌پوش فقط مختص شخص اکبر گنجی بود و قطعاً صدای وی از لایه‌های

پای‌تر اصلاحات که تحت‌تأثیر فرایندهای رادیکال بودند، تجاوز نکرد. نقد بلاشکال است. کسی نباید مانع نقد منصفانه شود. تعبیر-توهین‌آمیز محل اشکال است، آقای قوچانی هم نقد می‌کرد، آقای عباس عبیدی نقادانه می‌نوشت، آقای حجابیان هم منتقد بود.

● من حتماً منتقد دولت پس از سازندگی هستم که چرا در برابر افراطی‌گری‌ها علیه آقای هاشمی موضع صریح‌تری نگرفت. افرادی هم آقای هاشمی را نقد می‌کردند. چه بسا برخی از این افراد ممکن است خرده‌حساب شخصی هم با هاشمی داشتند و نقدشان چندان هم از سر منزلت ملی و معرفتی نبود. این کسانی که نام برده شد، بعد از مدتی فهمیدند رویکردی را که نسبت به هاشمی در پیش گرفته‌اند، باید اصلاح کنند. حالا این فرایند تا سال ۸۴ طول کشید.

دوستان اصلاح‌طلبی که نسبت به

هاشمی منتقد بودند، در این فرایند متوجه این معنا شدند که «گر تو بهتر می‌زنی، بستان بنز!»، یعنی وقتی کار را دستشان گرفتند، دیدند حکومت‌داری و دولتمردی مسئله ساده‌ای نیست؛ اگر تا دیروز بالای گود ایستاده بودند و نقد می‌کردند، امروز خودشان وسط گود هستند و سیاست‌های هاشمی هم به این سادگی نقدکردنی نیست؛ بنابراین خودشان برگشتند. همین امروز هم به این معنی نیست که عملکرد دولت آقای هاشمی را به‌طور مطلق تأیید کنیم؛ اما هاشمی در مقام نسبتی، جزء چهره‌های حمایت‌شده و معتمد همین اصلاح‌طلبانی است که دیروز منتقدان او بودند.

● محور موضوع بازداشت من بحث هاشمی و اصلاح‌طلبان بود. آنها به من می‌گفتند شما پل اتصال بین جریان مشارکت و آقای هاشمی هستید، گفتم می‌پذیرم. گفتند شما به‌همین‌دلیل هاشمی را رادیکال کردید، گفتم نیت من عکس این بود؛ زیرا می‌خواستم دوستان جبهه مشارکت را نرم کنم و مؤثر بوم و علت اصلاح برخی از مواضع مشارکت هاشمی بود و اینها هم شرایطی بود. حالا اینجا اختلاف نظری منطقی می‌تواند باشد که آیا هاشمی‌رفسنجانی از آنها تأثیر گرفته یا آنها از هاشمی‌رفسنجانی تأثیر گرفته‌اند؟ باور من این است که آقای هاشمی‌رفسنجانی از دوستان اصلاح‌طلب از جنس مشارکت که شما تصور می‌کنید، تأثیر نگرفته‌اند؛ اما دوستان مشارکت از رویکرد هاشمی‌رفسنجانی در مسیر تسامح و تعدیل بهره گرفتند و انزیدیر بودند؛ اما در درون هاشمی‌رفسنجانی به تناسب زمان تحولات رخ داده است که از امتیازات و اجتهادات ایشان به حساب می‌آید و چه بسا برخی از این تحولات با نیت‌ها و دیدگاه‌هایی که آقایان مشارکت دارند سازگاری کم، این‌را ناشی از درک مستقیم و استقلالِی است که شخص آقای هاشمی‌رفسنجانی دارد و ربطی به جریان مشارکت ندارد.

● اصلاح‌طلبان لشکریان انبوه و درهم‌تنیده و موسعی بودند که ژنرال کافی وکارآمد کم داشتند و هاشمی هم ژنرال نیرومندی بود که سرباز نداشت. منظور ایشان این است که میانی یکی است، رهبری هم با حفظ میانی و اصول تغییر کرده‌اند، امام(ره) هم در مدت ۱۰ سال تغییر کردند؛ مثلاً گفتند روحانیون نباید بر سر کار بیایند؛ اما بعد گفتند بیایند.

● من سال ۶۱ در روزنامه کیهان بودم. امام در آن زمان اولویت را به جنگ می‌داد؛ بنابراین برخی محدودیت‌ها را اعمال کرد و به‌حق هم اعمال کرد. مجلسی‌ها در سال ۶۶ به امام نامه نوشتند، امام هم گفتند اولویت‌هایی وجود دارد؛ ولی من بنا دارم شرایط را برگردانم. فرمانده، رهبر و مسئول اول هر کشوری می‌تواند محدودیت‌هایی را بنا به اقتضای زمان اعمال کند؛ تدابیر فرماندهی در عرصه عمل اجتماعی و بحران سیاسی می‌تواند متفاوت از نظام‌نامه متعارف باشد. خود امام در نظریات بالارتی ذیل عنوان ولایت فقیه که آن را شعبه‌ای از ولایت رسول اکرم نام بردند، گفتند ولی فقیه می‌تواند حتی واجبی را موقتاً تعطیل کند.

● هاشمی به تناسب زمان تغییر کرده است، اصلاً همه تغییر می‌کنند، باید هم تغییر کنند. دوره‌ای که جنگ تمام شد، تازه همه عوارض جنگ خودش را نشان داد، دیدگاهی که آقای هاشمی داشت، این بود که ما تا زیرساخت‌ها را سامان ندهیم، نمی‌توانیم صحبت دیگری بکنیم که دردی از مردم دوا شود؛ چون جنگ تمام شده و خواست و نگاه مردم به حاکمیت تغییر کرده است. مفهوم سخن آقای هاشمی این بود که تا قبل از ۶۸ فرزندان برای اینکه از جبهه‌ها دفاع کنند، زاده می‌شدند. آنها برای شهیدشدن به دنیا می‌آمدند؛ ولی بعد از سال ۶۸ برای زندگی‌کردن، تغییر الگو و حفظ آئین و تقویت نسل به دنیا می‌آمدند.

خبر

جامعه‌روحانیت مبارز در بیانیه‌ای اعلام کرد:

کج‌فهمی سیره حسینی، جامعه‌را به‌رخوت و تعارض مبتلامی‌کند

● شرق:جامعه‌روحانیت مبارز به مناسبت فرارسیدن محرم، بیانیه‌ای منتشر کرده است. در این بیانیه آمده است: «جز دشمنان خارجی، گاه برخی دوستان ناآگاه نیز در هنگامه‌ای که جامعه دینی در معرض تهاجم است، مراسم متبرک عزاداری حسینی را مایه سوءاستفاده غرض‌ورزان و بی‌اعتقادان قرار می‌دهند. نهضت حسینی، در مقام عالی‌ترین عامل احیای اسلام راستین و کوبنده تحریف، همواره مورد بغض دشمنان بوده است. تفسیرهای ناصواب و درک‌های سطحی از دین، نقش راهبری و احیاکری را به حالی مخرب و بازدارنده تبدیل می‌کند.کج‌فهمی سیره حسینی، این میراث عظیم را چنان معرفی خواهد کرد که جامعه را به رخوت و تعارض مبتلا سازد. اسلام‌شناسان، گاه، قیام حسینی را چنان می‌نمایانند که خود، موجب نابودی انسجام جامعه اسلامی می‌شود. متأسفانه امروز می‌بینیم که برخی پایگاه‌های اطلاع‌رسانی، شبکه‌های ماهواره‌ای و نشریاتی به نام امام حسین(ع) – که در خارج از کشورند و از ریک‌انگاران مایه و پایه می‌گیرند –چنان رفتار می‌کنند که به جای جلب قلوب به‌سوی حسین(ع)، موجب دوری آنها از امام و محتبان او می‌شوند. ملت آگاه و انقلابی‌ها که در سایه نظام و ولایت، رنگ و نیرنگ ایشان را خوب می‌شناسد، مراقب است تا کاری خارج از ضوابط شرخ رخ ندهد و محیط پاک و مطهر سوگواری و مداحی خامس آل ببا به بی‌قیدی و بی‌مبالاتی و سبک‌بوی و تنقیص و خرافه و وهن آلوده نشود». در ادامه این بیانیه آمده است: «از سوی دیگر، محرم، فرصت بی‌نظیری برای تربیت جوانان است که در اختیار مبلغان و مداحان قرار داده شده است. جوانان، بی‌تردید، در متن هدف‌گذاری دشمنان برای نفوذ فرهنگی و اعتقادی هستند، اما به‌رغم همه تلاش‌ها و طرح‌ها، خیل جوانان مؤمن، به‌عنوان یکی از معجزات انقلاب، همچنان پیشتاز عرصه‌های علمی و عملی‌اند. حضور پرشور و جانانه جوانان در مراسم سوگواری باید قدر دانسته شود و همراه با احترام و ترغیب با آنان رفتار شود. همراهی همدلانه مبلغان و مداحان با جوانان عزیز- عزادار، به‌ویژه لازم و بایسته است در برخوردش با نماز تجلی یابد. شهید کربلا شیفته عبادت بود و با عمل، اهمیت نماز راستین و تعالی‌بخش را فریاد می‌کرد. نقل است وقتی طهر عاشورا یکی از اصحاب، وقت نماز ظهر را به امام(ع) یادآور شد، برای او دعا کرد و فرمود: «خداوند تو را از نمازگزاران قرار دهد!». شایسته است، به پیروی از آن امام همام، نماز ظهر عاشورا در صفوفی جاندار و استوار و به‌هم پیوسته برگزار شود.

ادامه از صفحه ۷

چگونه ۳ دانشجوی جوان طرح محاصره دریایی ایران را به‌شکست کشاندند؟

او که در این سال یکی از جدی‌ترین نامزدهای جمهوری‌خواه بود، اظهارات بسیار مبتنی را در مناظرات پربیننده تلویزیونی درباره تعامل با ایران بیان کرد که در عمل یکی از دلایل بایکوت رسانه‌ای شدیدش از طرف رسانه‌های مسلط و طرفدار رژیم اسرانیل در آمریکا بود. بااین‌حال وی برای سال‌ها یکی از مهم‌ترین صداهای طرفدار تعامل مثبت با ایران در مقابل جریان‌های قدرتمند عبّری و عربی ضدایران شد. نمونه شکست پیش‌نویس قانون محاصره دریایی ایران، نمونه‌ای از پیچیدگی‌های تصمیم‌سازی در آمریکا و درعین‌حال امکان تأثیرگذاری در این سیاست‌ها در شرایطی است که آمریکا در وضعیت انتخاباتی قرار دارد و به‌ویژه مرحله بازبینی سیاست‌ها اهمیت بسیاری در ماه‌های آینده خواهد داشت. در شرایطی که گروهک منافقین و لابی‌های پرتعداد ضدایران، به صورت تمام‌وقت در راهروهای کنگره آمریکا و سایر نهادهای تصمیم‌ساز این کشور، مشغول گمراه‌کردن نمایندگان کم‌اطلاع و بی‌تجربه آمریکایی در سیاست خارجی هستند، شناخت مکانیسم‌ها و روندهای داخل آمریکا تأثیر زیادی در جهت استفاده از این فرصت‌ها در آینده خواهد داشت.

ه‌رئیس گروه مطالعات خاورمیانه در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، راینز و سخنگوی سابق نمایندگی ایران در سازمان ملل

آکمی دعوت انجمن علمی مدیریت و برنامه‌ریزی

فرهنگی ایران به شماره شناسه ملی ۱۴۰۰۴۷۱۹۹۹۹

بدینوسیله از اعضا محترم عضو پیوسته دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی این انجمن که راس ساعت ۱۰ روز پنج شنبه مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۲۹ برگزار می‌گردد، شرکت نمایند.

محل برگزاری: بزرگراه شهید حقانی

(شرق به غرب) – ابتدای خیابان کوشا–ساختمان

آر شیو ملی – سالن دکتر پرهام

دستور جلسه: قرائت گزارش هیأت مدیره، انتخاب

اعضای هیأت مدیره بازرس قانونی و سایر موارد

هیأت مدیره